

روزنامه صبح ایران 	
امدنیاز	
۴ ورزشی	

پرونده جدایی یامگا از استقلال بسته شد

کوبین یامگا یکی از بازیکنانی بود که در روزهای گذشته شایعاتی درباره احتمال جدایی او از استقلال به گوش می رسید.د وینگر فرانسوی که فصل گذشته عنوان بهترین گلزن تیمش را به خود اختصاص داد و نقش ویژه ای در قهرمانی تیم فرهاد مجیدی داشت. در روزهای گذشته عنوان شده بود که یک ایجنت که خود را مدیربرنامه یامگا نامیده، قصد دارد به بهانه برخی واریزی های نامنظم در فصل گذشته، قرارداد یامگا را با استقلال فسخ کند. گویا در طول فصل قبل در چند مورد دستمزد یامگا با تأخیر چند روزه پرداخت شده و

سختگوی فدراسیون فوتبال هر گونه تصمیم برای تغییر اسکوچیچ و جایگزینی مربی جدید در تیم ملی را رد کرد. در پی برگزاری جلسه کمیته فنی فدراسیون فوتبال در وزارت ورزش و جوانان شائبه هایی مبنی بر برکناری اسکوچیچ پیش آمد اما اصولی سختگوی فدراسیون فوتبال می گوید فعلا هیچ تصمیمی برای تغییر و تحول در کادر فنی تیم ملی گرفته نشده است.

او به برنامه ورزشگاه پیرامون این اتفاق و هم چنین آیا سفر میرشاد ماجدی به امارات ربطی به این موضوع دارد یا نه گفت: هر از چندی شایعاتی ایجاد می‌شود که فضای فوتبال و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درباره بحث تغییر اسکوچیچ نیز چند روز قبل توضیحاتی دادم. آن بزرگوارى که اولین بار درمورد حضور کى‌روش توییت زد، ویدیو و صحبت‌هاى من در برنامه در انتهای الوند را در سایت و شبکه کار کردند ولی نمی‌دانم ظرف ۲۴ ساعت چه اتفاقی افتاد و به چه چیزی رسیدند که در روز تعطیل پنجشنبه که کارهای ما متفاوت با روزهای دیگر است، چه اتفاقی افتاد که به چنین نتیجه ای رسیدند. در ادامه هم سریالی برخی دوستان مطالبی را منتشر کردند که باعث این مسئله شد.

او در مورد مکانیزم تغییر مربیان در تیم های ملی گفت: درباره تصمیم گیری در خصوص سرمربیان تیم های ملی به ویژه سرمربی تیم بزرگسالان، بدوا هیات رئیسه فدراسیون تصمیم گیری خواهد کرد. هیات رئیسه نیز برای رسیدن به چنین تصمیمی مکانیزم‌ها و ساز و کارهایی را که از قبل وجود داشته الان هم در نظر می گیرد.

خبر کوتاه

سردار و طار می باید مالیات بدهند!

فوتبالیست‌ها هم مثل تمام اقشار ملزم به پرداخت مالیات هستند. هرچند در ایران هنوز سازوکاری که نشان بدهد همه فوتبالیست‌ها «واقعا» مالیات پرداخت می‌کنند یا خیر، وجود ندارد. در بسیاری از موارد، مربی یا بازیکن پرداخت مالیات را بر عهده باشگاه می‌گذارد که این نقض غرض است. با این حال شرایط در فوتبال اروپا کاملا متفاوت است. در این گزارش به بررسی شرایط مالیات‌ستانی در لیگ‌های معتبر می‌پردازیم؛ با این توضیح جالب که در اروپا، لژیونرهایی که در سایر کشورها توپ می‌زنند، علاوه بر کشور میزبان، باید به کشور خودشان هم مالیات بدهند!

ایتالیا: در سری A، میانگین حقوق پرداختی به بازیکنان ۴ میلیون یورو است. فوتبالیست‌هایی که در این کشور بیش از ۷۵ هزار یورو در سال درآمد دارند، باید ۴۳ درصد مالیات پرداخت کنند که تقریبا شامل همه بازیکنان سری A می‌شود. همچنین بازیکنان ایتالیایی که در لیگ‌های خارجی مشغول به فعالیت هستند، باید ۲۵ درصد از درآمد سالانه خود را به دولت پرداخت کنند. بازیکنان خارجی شاغل در سری A هم ۳۳ درصد از درآمد خود را تحت عنوان مالیات به دولت ایتالیا می‌پردازند.

فرانسه: زمانی فرانسه جزو کشورهایی بود که با اخذ مالیات سبک، شهروندان خارجی را به اشتغال و زندگی در این کشور ترغیب می کرد، اما مدتی است که چنین خبری در آنجا نیست. میانگین حقوق فوتبالیست‌های باشگاه‌های ۲/ ۲ میلیون یورو در سال است و قانون در این زمینه از پرداخت حداقل ۴۵ درصد از حقوق سالانه تحت عنوان ملات سخن می گوید که با شرایطی خاص ممکن است به ۵۰ درصد هم برسد. نکته جالب اینجاست که بازیکنان فرانسوی که در لیگ‌های دیگر کشورها مشغول فعالیت هستند هم باید سالانه ۲۰ درصد از حقوق خود را به دولت فرانسه پرداخت کنند! بازیکنان خارجی شاغل در فرانسه هم حداکثر ۳۰ درصد از دستمزد خود را باید برای مالیات کنار بگذارند. این یعنی بازیکنانی مثل لیونل مسی و نیمار نسبت به کیلیان امابه کمتر مالیات می‌هند. این تفاوت به همان دلیل است که اینها احتمالا باید بخش دیگری از دستمزد دشان را به عنوان مالیات به دولت کشور خودشان بپردازند.

آلمان: در بوندس لیگا میانگین دستمزد دریافتی بازیکنان به ۲ میلیون یورو می‌رسد هرچند اختلاف زیادی میان دستمزدهای پرداختی بایرن مونیخ با سایر تیم‌ها وجود دارد. بازیکنان آلمانی شاغل در این لیگ، باید تا سقف ۴۵ درصد از دستمزد سالانه خود را به عنوان مالیات در اختیار دولت قرار دهند. بازیکنان خارجی مشغول در آلمان هم موظف به پرداخت ۲۵ درصد از رقم قراردانشان تحت این عنوان هستند.

انگلیس: میانگین دریافت حقوق بازیکنان در لیگ برتر انگلستان بیش از ۵ میلیون یورو در سال است. بازیکنان انگلیسی تا سقف ۴۵ درصد و بازیکنان غیرانگلیسی تا سقف ۲۰ درصد مالیات می‌پردازند. برای مثال حقوق ۲۵ میلیون پوندی کریس رونالدو در سال، پس از کسر ۱۰ درصد مالیات به این عدد رسیده است.

اسپانیا: بازیکنانی که پاسپورت اسپانیایی دارند، اگر درآمدی بیشتر از سالانه ۳۰۰ هزار یورو داشته باشند، باید ۲۷ درصد آن را تحت عنوان مالیات به دولت پرداخت کنند. از آنجا که میانگین پرداخت حقوق در این لیگ ۴/۵ میلیون یورو است، بطا اکثر بازیکنان لالیگایی مشغول این قاعده هستند. اوضاع برای بازیکنان اسپانیایی لیگ‌های دیگر نسبتا بهتر از کشورهای همجوار است چرا که مالیات بر درآمد آنها سالانه ۱۵ درصد است.

نکته طلایی

همان‌طور که می‌بینید در اروپا بازیکنان شاغل در کشورهای دیگر، علاوه بر پرداخت مالیات به جامعه میزبان، بخش دیگری از درآمدشان را هم باید به عنوان مالیات به کشور زادگاه بپردازند. اگر این قاعده در ایران وجود داشت، ما باید از همه لژیونره‌های فوتبال کشورمان که در کشورهای دیگر کسب درآمد می کنند مالیات می‌گرفتیم؛ از مهدی طارمی و سردار آزمون در پرتغال و آلمان تا بازیکنان شاغل در کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس که دلار نفتی به جیب می‌زنند. ما اما نه تنها از ایرانی‌های خارج مالیات نمی‌گیریم، بلکه اکثر قریب به اتفاق خارجی‌های ایران هم پرداخت مالیات‌شان را بر عهده باشگاه یا فدراسیون می‌گذارند!

بازیکن می‌دهیم، مربی می‌گیریم!



به‌تازگی سفیر ایران در کشور پرتغال گفته بود وزرای خارجه ایران و پرتغال سال گذشته در حاشیه جلسه سازمان ملل صحبت خود را با حرف زدن در مورد مهدی طارمی، مهاجم پورتو شروع کردند. به‌نظر می‌رسد وزرای خارجه ایران و پرتغال، به شکل روزافزون سوزدهای فوتبالی بیشتری برای گفت‌وگو پیدا می‌کنند. شرایط طوری رقم خورده که این ۲کشور در حوزه فوتبال روزبه‌روز همکاری‌های بیشتری پیدا می‌کنند. آنها نسبت به هم حسن‌ظن پیدا کرده‌اند و مسیر را برای همکاری هموار می‌بینند. استقلال و سپاهان که فصل گذشته کادرفنی ایرانی در اختیار داشتند، برای فصل جدید سراغ سرمربیان پرتغالی رفتند. ریکاردو سائیتو در استقلال جانشین فرهاد مجیدی شد و ۲ دستیار هموطنش را هم به تهران آورد، روزه مورایس هم با سلف‌های فره‌به از سر سرمربی استقلال، هدایت سپاهان را برعهده گرفت. او ۳دستیار پرتغالی هم با خودش آورده که کلی اسم و رسم دارند و از سوابق خوبی بهره می‌برند. هوگو آلمیدا مشهور، با ۱۵۷۲ بازی ملی و ۱۹۱گله زده در تیم ملی پرتغال یکی از دستیاران مورایس است. او سابقه قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را هم در کارنامه دارد. بدنساز و مربی دروازه‌بان‌های سپاهان هم از حیث شهرت دست کمی از آلمیدا ندارند و همیشه در کادرفنی مورایس حضور داشته‌اند. کادرفنی پر و پیمان پرتغالی روی نیمکت ۲ تیم سرشناس ایرانی خواهند نشست تا لیگ برتر کاملا لهجه پرتغالی به‌خودش بگیرد. در نقطه مقابل اما فوتبال ایران به پرتغال بازیکن می‌دهد. به‌نظر می‌رسد نقطه عطف مرادوات فوتبالی ۲کشور، حضور درخشان و غیرمنتظره مهدی طارمی در لیگ آن کشور اروپایی بود؛ مهاجمی که ابتدا در تیم معمولی ریواوه چشم‌ها را خیره کرد و بعد تبدیل به ستون تیم بزرگ پورتو شد. در مورد هنرنمایی‌های مهدی در پرتغال هر حرفی زده شود تکراری است. او راه را برای سایر بازیکنان ایرانی هم باز کرد و در نتیجه شاهد اقبال پرتغالی‌ها به فوتبالیست‌های وطنی بودیم. هم‌اکنون غیراز مهدی، علی علپور را در ژیل‌وِسته، محمد محبی را سانتاکلازا و پیام نیازمند را در پورتیمونزه داریم.

این مدیربرنامه مدعی شده با استناد به این موارد، قرارداد وینگر آبی‌ها را فسخ خواهد کرد.البته یکی از مدیران استقلال در گفتگو با خبرنگار ورزش سه اعلام کرد تمامی مبلغ قرارداد یامگا به طور کامل به او پرداخت شده و این بازیکن به هی وجه حق فسخ ندارد. ضمن اینکه در قرارداد استقلال با این بازیکن، هیچ نامی از مدیربرنامه ایرانی دیده نمی‌شود.حالا و در شرایطی که بازگشت یامگا به ایران مسجل بود و این بازیکن هیچ راهی برای فسخ قراردادش نداشت، او با انتشار یک استوری اعلام کرد هرگز قصد نداشته است که قراردادش را با آبی

سخنگوی فدراسیون فوتبال تأکید کرد:

تکذیب برکناری اسکوچیچ و آمدن کی‌روش

گرفته مباحث فنی برعهده ماجدی بود.

او را واکنش به این موضوع که به نظر می‌رسد حمایت از اسکوچیچ صد در صدی نیست و در غیر اینصورت در این برهه از زمان نیازی به برگزاری نشست کمیته فنی نبود؛ گفت: برداشت این شکلی از صحبت‌های من درست نیست. برای ما همیشه موضوع تیم ملی، بررسی و به روز کردن داده‌هایی که در این خصوص مطرح می‌شود، باز است. درباره همه تیم‌ها نه فقط تیم ملی بزرگسالان باز است. با تمام این تفاسیر اینکه جمع‌بندی‌ها و تصمیم برای تغییر باشد، چنین چیزی نیست. تیم ملی متعلق به همه مردم ایران است.

نظرات از جاهای مختلف عنوان می‌شود. به هر حال وزارت ورزش در این حوزه ارتباط دارد و نسبت به موضوع بی‌ارتباط نیست. نظرات و دیدگاه‌های فنی دارد و جلساتی تشکیل می‌شود. در این خصوص نکات، دغدغه‌ها و ملاحظات دوستان توسط تیم فنی و سرپرست فدراسیون شنیده می‌شود. در نهایت این نظرات و دیدگاه‌ها به هیات رئیسه می‌آید و آنجا درموردش جمع‌بندی می‌کنیم.

گفتم بخش فنی وزارت ورزش در این خصوص اظهارنظر و دیدگاه‌هایی دارد. آنها هم کمیته فنی دارند. وزارت‌خانه تخصصی ورزش در دولت هستند. من درمورد مجلس صحبت نکردم اما تصمیم را فدراسیون فوتبال و هیات رئیسه می‌گیرد. چگونه رسانه‌ها برای نظر و دیدگاه‌های خود مشورت می‌گیرند. امروز هم من از صحبت‌های خداداد عزیز استفاده کردم. آنها نظر می‌دهند و ما هم نمی‌توانیم جلوی اظهارنظر کسی را بگیریم. ما هم این اظهارنظر‌ها را می‌شنویم. اینکه بگویم

به جا مانده از آتش سیاوش

به تازگی یک مصاحبه تصویری از سیاوش یزدانی منتشر شده که بازتاب‌های زیادی داشته است. یزدانی فصل خبرسازی را پشت سر گذاشت؛ او جایگاه خوبی در خط دفاعی استقلال پیدا کرده بود، اما سرباز شد و به پرچامیه‌ترین شکل ممکن برای گذران این دوران به ملوان بندرانزلی پیوست. یزدانی علیه باشگاه استقلال موضع آشکار گرفت و البته به خاطر شرایط روحی‌اش در مسابقات ملوان هم به بازی گرفته نشد. حالا اما سیاوش در مصاحبه‌ای که با ایلکیشن عادل فردوسی‌پور انجام داده، حرف‌های عجیب و غریبی زده است. در بخشی از گفت‌وگو، او جملاتی با این مضمون به زبان می‌آورد: «در دوران سرمربیگری محمود فکری، باشگاه در پرداخت دستمزد من دچار تاخیر شد. من هم سر تمرین می‌رفتم و بعد از ۱۵ دقیقه به رختکن برمی‌گشتم. آقای فکری می‌پرسید چه شده؟ می‌گفتم به اندازه پولی که دادید تمرین می‌کنم. ایشان مرتب مرا کنار می‌گذاشت و من هم خوشحالم که برای او بازی نکردم. اصلا خودم را شاگرد فکری نمی‌دانم. معلوم بود که تیم در دوران او به جایی نمی‌رسد.» حرف‌های سیاوش واقعا عجیب است؛ مخصوصا که خود فکری هم بعد از برکناری بارها ادعا کرد برخی بازیکنان استقلال آنطور که باید و شاید انرژی نگذاشتند. گفتیم که این مصاحبه بازتاب‌های زیادی داشته که اصلا قصد ورود به آنها را نداریم. اینجا لایه بیرونی و سطحی فوتبال است، اما اگر کمی عمیق‌تر به ماجرا نگاه کنیم، بار دیگر درخواهیم یافت محتوای حقیقی این رشته ورزشی، تناسب چندان‌ی با این همه پرخاش و تمصب از سوسی هواداران ندارد. بحث یزدانی نیست، خیلی از بازیکنانی که هواداران به خاطر آنها عصبی می‌شوند و بعضا به یکدیگر توهین می‌کنند، اساسا پایبندی چندان‌ی به عشق و علاقه و وفاداری به تیم ندارند. اغلب اینها «حرفه‌ای» هستند؛ به این معنا که پول می‌گیرند و به توپ ضربه می‌زنند. ممکن است اگر پرداخت پول‌شان چند روزی عقب و جلو شود، کل کار را زمین بگذارند.



امیرخان و یک بهانه جدید



امیر قلعه‌نویی همچنان پرفشارترین سرمربی تاریخ لیگ برتر ایران است، اگرچه ۹سال از آخرین جامی که او برده می‌گذرد. امیر که یک دوره پشت سر هم موفق می‌شد، در این سال‌ها به‌خاطر ناکامی‌هایش فشارهای زیادی را تحمل کرده. همین مسئله هم او را بهانه‌جوتر از همیشه کرده است. در این مدت مصاحبه‌های فرافکانه زیادی از قول قلعه‌نویی منتشر شده که شاید اوج آنها مربوط به داستان‌های کسر امتیاز از گل‌گهر در فصل گذشته بود. پارسال به‌دلیل استفاده از یک بازیکن غیرمجاز به اسم باگناما ۱۷امتیاز از گل‌گهر کم شد. البته که این ضربه بزرگی به تیم بود و کسی نمی‌تواند آن را کتمان کند اما فارغ از گناهکار بودن یا نبودن تیم سیرجانی، قلعه‌نویی بارها و بارها به این مسئله اشاره کرد؛ اشاراتی مبالغه‌آمیز که به‌صورت تصاعدی ضرر گل‌گهر را بالاتر می‌برد. امیر اوایل می‌گفت به جای ۱۷امتیاز، در واقع از تیمش ۱۰امتیاز کسر شد است. بعد شد ۱۵، بعد ۲۰ و حالا هم می‌گوید ۲۵امتیاز زیان گل‌گهر از آن اتفاق بوده است! در همین مصاحبه آخر امدا، امیرخان باب یک بهانه جدید را هم باز کرد که انتظار می‌رود فصل آینده به ترجیع‌بند مصاحبه‌های او تبدیل شود. قلعه‌نویی می‌گوید: «شما دیدید که اسماعل گل‌گهر را مثل گوشه قربانی وسط گذاشتند و افتادند روی تیم ما. همه بازیکن‌هایی که می‌خواستند را بردند، ولی باز هم مهم نیست. بعضی از بازیکن‌ها هم معرفتی با ما امضا کردند که از آنها ممنون هستیم.» خب البته گل‌گهر بهترین پاسور لیگ یعنی سعید صادقی که از دست داد که فقدان بزرگی است، جدایی میلاد زکی‌پور اما نباید «قاعده» نقلی شود. محمد خاتوند را هم که اساسا خود امیر بازی نمی‌داد و او با طعنه به کادرفنی تیم سیرجانی جدا شد. در مجموع به‌نظر می‌رسد بهانه‌های قلعه‌نویی هنگام ناکامی به روزرسانی شده و اگر خدا خواهد فصل آینده به‌جای جملات کلیشه‌ای در مورد کسر امتیاز، شنونده مباحث نقل‌وانتقالی خواهیم بود!

سرنوشت برانکو، در انتظار اسکو؟



همین‌قدر بود، در جام‌جهانی نیاز به یک مربی بزرگ‌تر داریم.» این عبارت روزی هزار بار تکرار می‌شد، اما فدراسیون عقیده داشت چون برانکو تیم ملی را به جام‌جهانی رسانده، خودش هم در آلمان باید روی نیمکت بنشیند.

موقعیت دردناک

این نوشته در حمایت از اسکوچیچ نیست، بلکه تکرار باره بار یک تقاضای مهم است؛ اینکه با همین امروز مرد کروات را بردارید و به جای او هر کسی را دوست دارید بگذارید، با طوری از درآگان حمایت کنید که هر کسی از راه رسید، موقعیت سرمربی تیم ملی را به مخاطره نیندازد. کسی که هر روز از ۲۰۰ جا مورد حمله قرار می‌گیرد، چگونه می‌تواند اقتدارش را برای هدایت تیم ملی در تورنمنتی به بزرگی جام‌جهانی حفظ کند؟ هرچند در ترس‌زل عجیب جایگاه اسکوچیچ، بلانکلیفی فدراسیون هم به تأثیر نیست. مربی کروات در یکی از عجیب‌ترین دوران تاریخ فوتبال ایران مشغول کار است...



های پایتخت فسخ کن‌داین بازیکن در استوری خود نوشت: هواداران محترم استقلال؛ سلام. لطفا به اخبار جملی گوش ندهید. من هرگز نخواسته بودم که بروم. من استقلال را دوست دارم و شهر تهران را نیز دوست دارم. چند روزی مریض بوده‌ام اما به زودی به تهران برمیگردم و تمرینات خود را پرقدرت تر برای آماده سازی فصل جدید با تیمم شروع می‌کنم. بدین ترتیب و طبق انتظار، پرونده جدایی یامگا از استقلال بسته شد و این بازیکن باید به زودی عازم تهران شده تا در تمرینات آبی پوشان حضور پیدا کند.